

**کلمتوگو** مسعود دهنوی، مستندساز و

کارگردان مجموعه مستند کوتاه «راش»، معتقد است مخاطب امروز بیش از هر زمان دیگری به روایت‌های بی‌واسطه و بدون دستکاری اعتماد می‌کند، او در این گفت‌وگو از ایده شکل‌گیری «راش»، حضور در کانون بحران، ثبت لحظه‌های بیماران و تلاش برای نمایش «حقیقت بدون رو‌توش» سخن می‌گوید. در روزهایی که جنگ و بحران، میدان رقابت روایت‌ها و تصاویر است، اعتماد مخاطب به رسانه‌ها بیش از گذشته اهمیت پیدا می‌کند. مجموعه مستند کوتاه «راش» با همین دغدغه شکل گرفته است؛ مجموعه‌ای که به جای تکیه بر روایت‌های متعارف و تدوین‌های پیچیده، تلاش می‌کند فیلم‌های خام و ثبت‌شده در لحظه را به مخاطب ارائه کند. این مجموعه که با محوریت وقایع جنگ و حملات اخیر تولید شده، اکنون با حمایت حوزه هنری در فضای مجازی منتشر می‌شود. مسعود دهنوی، مستندساز این مجموعه، در این گفت‌وگو از ایده شکل‌گیری «راش»، تجربه حضور در صحنه‌های بحران و اهمیت فرم‌های تازه در روایت مستند سخن گفته است.

■ ■ ■

**چه شد که در مستند «راش» این نوع روایت را انتخاب کردید و ایده شکل‌گیری این مجموعه از ججا آغاز شد؟**

در جریان جنگ ۱۲ روزه، ما هم تلاش کردیم تا حد امکان در متن حوادث حضور داشته باشیم و اتفاقات را ثبت کنیم. در همان روزها به این نتیجه رسیدیم که بخشی از مخاطبان نسبت به تصاویر و گزارش‌های رسانه‌ای اعتماد کافی ندارند. حتی اگر تصاویر واقعی باشند، به دلیل فرایند تدوین، حذف برخی بخش‌ها یا اضافه شدن توضیحات و روایت‌ها، این تصور شکل می‌گیرد که واقعیت دستخوش تغییر شده است.

به همین دلیل نخستین مسئله ما این بود که آنچه را به‌وضوح در میدان می‌بینیم، بدون واسطه و بدون رو‌توش به مخاطب منتقل کنیم. نه قصد اغراق داشتیم و نه می‌خواستیم روایت خاصی را تحمیل کنیم. هدف ما انتقال حقیقت بود. از همین جا ایده «راش» شکل گرفت؛ اینکه فیلم‌های خام و ثبت‌شده در صحنه را در بستری قابل مشاهده و قابل تحلیل در اختیار مخاطب قرار دهیم. احساس کردیم این شیوه هم اعتماد مخاطب را جلب می‌کند و هم امکان انتقال حقیقت را فراهم می‌آورد. نکته مهم این بود که راش‌های ضبط‌شده در زمان بحران، خودشان سرشار از قصه هستند. در دل همان تصاویر خام، روایت‌های انسانی و تأثیرگذاری وجود دارد که نیازی به ساختن یا افزودن چیزی به آنها نیست. نوع تدوین این مستند هم متناسب با فضای مجازی طراحی شده است.

همین‌طور است. از ابتدا تصور می‌کردیم مخاطب اصلی این مجموعه، مخاطب تلویزیون نباشد و بیشتر کاربران فضای مجازی را هدف قرار داده بودیم. تجربه هم نشان داد این قالب در فضای

مجازی بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. ریتم کارها تندتر است، زمان کوتاه‌تری دارند و سریع‌تر به اصل موضوع می‌رسند. ضمن اینکه در فضای مجازی برخی محدودیت‌هایی که در رسانه‌های رسمی وجود دارد، کمتر است و امکان نمایش بخش‌هایی از واقعیت فراهم می‌شود. همه

## فرهنگی

سرویس فرهنگی ۶۰۸۸۵۲۳

# «راش» حقیقت جنگ را بدون رو‌توش روایت می‌کند

می‌کردیم. گاهی از دوستانی که در هلال‌احمر یا آتش‌نشانی حضور داشتند اطلاعات می‌گرفتیم. بعضی اطلاعات درست بود و بعضی نه؛ اما در بیشتر موارد خودمان از روی نشانه‌ها به محل حادثه می‌رسیدیم. واقعاً کار آسانی نبود و گاهی تنها با کمک خداوند موفق می‌شدیم در همان لحظه در محل حاضر شویم.

**شما نگاه متفاوتی نسبت به سوژه دار بد. در اثر قبلی شما «موتور سواران» این نوع نگاه مشهود است. این روایتگر از کجا می‌آید؟**

همیشه برای من مهم بوده است که به سوژه‌ها از زاویه‌ای متفاوت نگاه کنم. تجربه جنگ ۱۲ روزه به ما نشان داد اگر می‌خواهیم دیده شویم و مخاطب را با خود همراه کنیم، باید به فرم نیز توجه ویژه‌ای داشته باشیم. در فضای رسانه‌ای امروز، حجم عظیمی از محتوا تولید می‌شود. ما بررسی کردیم چه چیزی می‌تواند مخاطب را جذب کند؛ منظورم از جذابیت، صرفاً زیبایی نیست، بلکه ویژگی‌ای است که مخاطب را به دیدن و دنبال کردن یک اثر ترغیب کند.

به همین دلیل تلاش کردیم کاری تولید کنیم که تکراری نباشد و ویژگی خاصی داشته باشد. در آثار قبلی من نیز چنین نگاهی وجود داشته است؛ که در «موتورسواران» و چه در سریال «مدارن» که یک بازیگر در آن هشت‌نقش مختلف را ایفا می‌کرد. به گمان من، مخاطب امروز به‌ویژه نسل جوان از فرم‌های تازه استقبال می‌کند. ممکن است محتوا درباره موضوعی باشد که همه درباره آن سخن گفته‌اند، اما ارائه آن در قالبی جدید می‌تواند برگ برنده باشد و مخاطب را با اثر همراه کند.

**آیا سر‌نوشت برخی سوژه‌های «راش» را بعداً پیگیری کرده‌اید؟**
بله. اتفاقاً از طریق صفحه اینستاگرام مجموعه، بازخوردهای جالبی دریافت کرده‌ایم. اطرافیان برخی افرادی که در مستند حضور داشتند با ما ارتباط گرفتند و درباره آنها توضیح دادند.

امروز کامنت بسیار تلخی را دیدم. مربوط به اپیزودی بود که در میدان رسالت ضبط شده بود؛ جایی که پدری زیر آوار به دنبال دخترش می‌گشت. ما آن زمان حتی نام دختر را نمی‌دانستیم و سوژه اصلی ما پدر بود. اما بعداً خانمی در کامنت‌ها نوشت: «محدثه جان، بمریم برایت که باید قصه‌تورا در اسپلور ببینم.» آنجا فهمیدیم دختری که در آن حادثه جان باخته بود، دوست همین خانم بوده و آواز کردیم کار را ادامه دهیم. آنچه امروز منتشر شد، تنها بخشی از واقعیتی است که توانستیم ثبت کنیم؛ بخش‌های زیادی نیز هر گز ثبت نشد.

**اولین قسمت «راش» چه زمانی منتشر شد؟**

ایده این کار از همان روزهای دوم و سوم جنگ به ذهن ما رسید. از شکل‌گیری ایده تا تولید و انتشار نخستین مجزای حدود یک تا دو هفته زمان برد. در ابتدا به‌صورت مستقل و خودجوش در فضای مجازی منتشر می‌کردیم. تا حدود پنج یا شش قسمت نیز به همین شکل پیش رفتیم و بازخورد‌های بسیار خوبی دریافت کردیم. پس از آن به دنبال مجموعه‌ای بودیم که بتواند از ادامه کار حمایت کند و در این مرحله حوزه هنری به خوبی وارد میدان شد و از پروژه پشتیبانی کرد.

پس از آن روزها حرف بزینم، به خاطر همین لحظات ثبت‌شده است. ثبت واقعیت، هر چند تلخ، ضرورتی بود که نمی‌توانستیم از آن چشم‌پوشی کنیم.

نویسنده و پژوهشگر دفاع‌مقدس با تأکید بر ضرورت ثبت وقایع تاریخی و تجربه‌های زیسته مردم گفت: یادداشت‌نویسی روزانه می‌تواند از تحریف و فراموشی رویدادهای مهم جلوگیری کند و در آینده به اسناد تاریخی ارزشمند تبدیل شود.

گل‌علی بابایی، نویسنده و پژوهشگر دفاع‌مقدس، درباره کتاب «کالک‌های خاکی» که با همکاری حسین بهزاد تدوین شده،

گفت: «این کتاب روایت زندگی سردار محمدعلی (عزیز) جعفری از دوران کودکی تا پایان عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر را در بر می‌گیرد و تلاش دارد بخشی از تاریخ شکل‌گیری و عملکرد سپاه پاسداران در سال‌های ابتدایی جنگ را به تصویر بکشد.» وی درباره روند شکل‌گیری این اثر اظهار کرد: «کتاب «کالک‌های خاکی» در سال ۱۳۹۱ از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد و حاصل مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای تاریخ‌شاهی با سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری است. مقطع زمانی کتاب از تابستان ۱۳۳۵، همزمان با تولد ایشان، آغاز می‌شود و تا تابستان ۱۳۶۱ و پایان عملیات بیت‌المقدس ادامه دارد.» بابایی با اشاره به محتوای مستند کتاب افزود: «این اثر تنها یک روایت شخصی یا زندگینامه نیست، بلکه از جمله آثار مستند درباره تاریخ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عملکرد اتحاد میان ارتش و سپاه نیز مطرح می‌شود. موضوعی که در بسیاری از عملیات‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت رزمندگان داشته است.» این نویسنده دفاع‌مقدس درباره دلیل انتخاب نام کتاب گفت: «عنوان «کالک‌های خاکی»

برگرفته از فضای عملیاتی و نقشه‌های میدانی جنگ است و در عین حال، روایتگر مسیری است که از زندگی شخصی سردار جعفری آغاز می‌شود و به پایان عملیات بیت‌المقدس می‌رسد. این کتاب در ۱۲ فصل تدوین شده که فصل پایانی آن به ۱۰۰ قطعه مکتوب و سند اختصاص دارد.» بابایی همچنین درباره روند تهیه کتاب بیان کرد: «گفت‌وگوها، تدوین و نگارش این اثر با همکاری حسین بهزاد انجام شد. مصاحبه‌ها از پاییز ۱۳۸۹ آغاز شد و طی حدود شش‌ماه، در قالب ۱۰ جلسه و مجموعاً ۲۵ ساعت گفت‌وگو به انجام رسید. پس از آن نیز مرحله نگارش و تدوین حدود ۱۰ ماه زمان برد تا کتاب به شکل نهایی آماده انتشار شود.»

گل‌علی بابایی اظهار کرد: «برای آزادی خرمشهر راه دوم را انتخاب کردیم. بارها پیش آمده که فیلمبرداران ما پشت‌دوربین اشک می‌ریختند اما همچنان به ثبت تصویر ادامه می‌دادند. سخت بود، اما اگر امروز می‌توانیم درباره آن روزها حرف بزینم، به خاطر همین لحظات ثبت‌شده است. ثبت واقعیت، هر چند تلخ، ضرورتی بود که نمی‌توانستیم از آن چشم‌پوشی کنیم.

**گل‌علی بابایی، نویسنده و پژوهشگر دفاع‌مقدس:**

## یادداشت‌نویسی روزانه مانع تحریف تاریخ می‌شود

**کتاب «کالک‌های خاکی» روایتی مستند از شکل‌گیری سپاه**

**و همدلی ارتش و سپاه است**



بهای سنگینی پرداخت شد. تنها در عملیات بیت‌المقدس، از آغاز تا پایان، حدود ۶هزار شهید تقدیم شد تا خرمشهر آزاد شود.» او با اشاره به اهمیت عملیات آزادسازی خرمشهر افزود: «دشمن با آن همه سلاز و کار نظامی، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به خرمشهر بی‌پناه حمله کرد و پس از ۳۴روز مقاومت مردمی توانست شهر را اشغال کند. خرمشهر ۷۵روز در اشغال باقی ماند و دشمن انواع

مواعع و استحکامات را ایجاد کرد؛ اما رزمندگان ما از دوم اردیبهشت تا سوم خرداد، طی ۲۵روز نبرد، موفق شدند این شهر را آزاد کنند. این نشان‌دهنده عظمت و قدرت رزمندگان ماست؛ همان نیروهایی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، گاه حتی برای شب عملیات گلوله کافی هم نداشتند.» او با تأکید بر نقش هنر و ادبیات در حفظ حافظه تاریخی جامعه بیان کرد: «کتاب، فیلم، تئاتر، نقاشی و هر فعالیت هنری که برای ثبت و یادمانی این روزها انجام می‌شود، در حقیقت تلاشی برای زنده نگه داشتن اصل ماجراست؛ یعنی حفظ یاد آن روزها و جلوگیری از فراموشی.»

این نویسنده دفاع‌مقدس در ادامه با اشاره به رخدادهای ماه‌های اخیر، جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، تصریح کرد: «در ماه‌های گذشته نیز جامعه با اتفاقات مهم و پیچیده‌ای روبه‌رو بوده است. مردم بسیاری از وقایع را با چشم خود دیده‌اند و تجربه کرده‌اند. همین تجربه‌های زیسته می‌تواند به سوژه‌های ارزشمند برای ثبت و روایت تبدیل شود.»

بابایی یادداشت‌نویسی روزانه را راهی برای ثبت دقیق‌تر تاریخ دانست و گفت: «مردم باید نوشتن را جدی بگیرند. یادداشت‌نویسی روزانه بسیار مهم است؛ چون مانع تحریف می‌شود. وقتی یک پژوهشگر یا نویسنده بخواهد بعدها رویدادها را ثبت کند، اگر یادداشت‌های روزانه و روایت‌های دست اول وجود داشته باشد، با مشکلات کمتری مواجه خواهد شد.» او با اشاره به تجربه شخصی خود افزود: «مانی برای دل خودم یادداشت می‌نوشتم و فکر نمی‌کردم روزی به درد انتشار بخورد، اما همان نوشته‌ها بعدها تبدیل به دو کتاب شد.» این پژوهشگر در پایان تأکید کرد: «امروز هم اتفاقات زیادی در حال رخ دادن است و مردم، به‌ویژه در روزهای بحرانی، چیزهای زیادی را از نزدیک می‌بینند. لازم است از آدم‌ها، همسایه‌ها، شهدا، مکان‌ها و تجربه‌هایشان بنویسند. شاید همین روایت‌های مشخصی در آینده به اسناد مهم تاریخی تبدیل شود. ثبت روزانه اتفاقات، اقدامی ضروری و مؤثر برای حفظ حقیقت است.»

**نگاهی به کتاب «راز تالار آینه»:**

## تالار آینه‌های هنر و خودشناسی

■ **الهام‌رامهر**



خلال این گفت‌وگوها، دغدغه‌ها و پرسش‌های خود را بهتر می‌شناسد. این پیوند میان گذشته و اکنون، افق تازه‌ای برای اندیشیدن به آینده می‌گشاید و به مخاطب یادآوری می‌کند که هویت فردی و اجتماعی در امتداد یک تاریخ و حافظه جمعی شکل می‌گیرد.

«راز تالار آینه» تجربه‌ای شبیه رؤیادیدن است؛ روایی که در ظاهر آشفته و پر از تصویرهای پرکنده به نظر می‌رسد، اما در ژرفای خود معنایی روشن و تأمل‌برانگیز دارد. کتاب مخاطب را به تماشای آینه‌های دعوت می‌کند که هر کدام بخشی از وجود او را بازمی‌تابانند. وقتی این سفر به پایان می‌رسد، خواننده احساس کسبی دارد که از سفری طولانی بازگشته است؛ سفری به جهان درون خویش.

شاید بهترین توصیف برای این اثر آن باشد که «راز تالار آینه» را نباید صرفاً خواند؛ باید در آن قدم زد، در آینه‌هایش نگر بست و تصویر خویش را در میان نقش‌ها و رنگ‌هایش جست‌وجو کرد. این زمان، داستانی است که بر بوم نقاشی نشسته و مخاطب را به تماشای خوشتن فرامی‌خواند.

این عوامل کمک کرد تا بتوانیم برنامه‌ای تولید کنیم که ادعا داشته باشد حقیقت را تا حد امکان بی‌واسطه نشان می‌دهد.

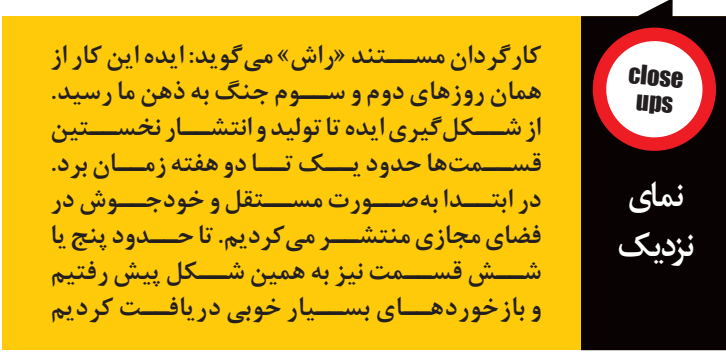
**در روزهای جنگ چگونه به محل حوادث می‌رسیدید؟**

در ابتدا یک گروه پنج‌نفره بودیم. تلاش می‌کردیم هر جا که مورد اصابت قرار می‌گرفت، به‌ویژه اگر منطقه مسکونی بود و امکان تصویربرداری وجود داشت، خودمان را به آنجا برسانیم. برای ما مهم‌ترین مسئله، حضور در لحظه حادثه و در کانون بحران بود.

طبیعتاً در همه موارد موفق نبودیم. گاهی دیر می‌رسیدیم یا از وقوع حادثه مطلع نمی‌شدیم. اما هر چه جلوتر رفتیم متوجه شدیم بسیاری از دوستان مستندساز ما نیز مشغول ثبت همین لحظه‌ها هستند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم علاوه بر تصاویر خودمان، از راش‌های ثبت‌شده از سوی دیگر مستندسازان نیز استفاده کنیم. به نظرم این بخش‌ها از جذاب‌ترین قسمت‌های مجموعه هستند.

**در روایت این حوادث بیشتر به دنبال روایت قاعه بودید یا روایت سوگ یا اقتدار؟**

تنها روایت حقیقت، برای ما حقیقت مهم‌ترین مسئله بود. نه اضرائی داشتیم که حتماً تصویری قاعه‌باز ارائه کنیم و نه می‌خواستیم صرفاً بر امید یا



**کارگردان مستند «راش» می‌گوید: ایده این کار از همان روزهای دوم و سوم جنگ به ذهن ما رسید. از شکل‌گیری ایده تا تولید و انتشار نخستین قسمت‌ها حدود یک تا دو هفته زمان برد. در ابتدا به‌صورت مستقل و خودجوش در فضای مجازی منتشر می‌کردیم. تا حدود پنج یا شش قسمت نیز به همین شکل پیش رفتیم و باز خوردهای بسیار خوبی دریافت کردیم**

**Close ups**

**نمای**

**نزدیک**

**ابراهیم پشت‌کوهی، کارگردان تئاتر:**

## «ذرات آشوب» تلاش برای پیوند تاریخ، زیبایی‌شناسی و هویت ایرانی است



شد و در جریان تمرین‌ها، همراه با گروه بازیگران، به تدریج کامل شد. چیزی حدود سه ماه تمرین مداوم داشتیم و برای هر صحنه زمان زیادی صرف شد. تئاتر، خم رنگرزی نیست که بتوان در مدت کوتاه به نتیجه رسید؛ هر لحظه از اجرا نیازمند طراحی، آزمون و بازنگری است. حتی در بخش‌هایی از نمایش، قاب‌هایی از آثار بزرگ هنری جهان بازسازی شده که همگی آنها حاصل ساعت‌ها کار و دقت بوده است.» پشت‌کوهی درباره شیوه‌های اجرایی به‌کاررفته در این اثر نیز گفت: «در طراحی و اجرای ذرات آشوب از شیوه‌های مختلفی استفاده

**ابراهیم پشت‌کوهی** که با نمایش

**«ذرات آشوب» در چهل و سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور داشت و این روزها دور تازه اجرای عمومی آن را در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه برده، می‌گوید «ذرات آشوب» حاصل سیسال‌ها دغدغه‌مندی درباره تاریخ فراموش شده جنوب ایران است.**

پشت‌کوهی درباره انتخاب سوژه نمایش که به مقاومت مردم جزیره هرمز در برابر اشغال پرتغالی‌ها می‌پردازد، گفت: «هر ملتی باید تاریخ خودش را بشناسد و به آن رجوع کند. همیشه این جمله ویل دورانت برای من مهم بوده که مردمی که تاریخ را فراموش می‌کنند، محکوم به تکرار آن هستند. برای من جنوبی، هر مز فقط یک جغرافیا نیست؛ بخشی از حافظه تاریخی و هویت فرهنگی ماست که سال‌ها کمتر به آن پرداخته شده است.»

او با تأکید بر اینکه «ذرات آشوب» تنها بازگویی یک رخداد تاریخی نیست، ادامه داد: «این نمایش را می‌توان یک اثر پس‌استعماری دانست؛ اثری که تلاش می‌کند بخشی از تاریخ ایران را از منظر مقاومت و ایستادگی بازخوانی کند. برای من مهم بود که مخاطب فقط با یک قصه تاریخی روبه‌رو نشود، بلکه به این فکر کند که نسبت ما با گذشته‌مان چیست و چگونه تاریخ می‌تواند بر امروز ما تأثیر بگذارد. وقتی این اثر برای نخستین‌بار شکل گرفت، شرایط کشور و منطقه متفاوت بود، اما حالا احساس می‌کنم صحبت درباره هویت ملی و جغرافیایی فرهنگی بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است.» این کارگردان درباره روند تولید نمایش توضیح داد: «برای ذرات آشوب متن از پیش آماده‌ای وجود نداشت. کار با یک طرح اولیه آغاز